مایکل کین از دنیای بازیگری خداحافظی کرد

سِر مایکل کین، بازیگر انگلیسی بازنشستگی خود را در این حرفه اعلام کرد.کین ۸۸ ساله، بازیگری که تا به حال دو بار برنده جایزه اسکار شده، پس از آخرین حضورش در فیلم جدید «پرفروش‌ها» در برنامه رادیویی بی‌بی‌سی، بازنشستگی خود را از بازیگری اعلام کرد.وی گفت: دو سال است که کار نکرده‌ام و ستون فقراتم مشکل دارد که روی پاهایم نیز تأثیر می‌گذارد و نمی‌توانم خوب راه بروم.

هری پاتر به دست «هری پاتر» حراج شد

مردی ۳۳ساله به نام هری پاتر از شهر واترلوویل در همپشایر انگلیس یک جلد از چاپ اول کتاب هری پاتر وسنگ جادو را که در سال ۱۹۹۷ همزمان با انتشار این کتاب از پدرش هدیه گرفته بود، به فروش گذاشت.
به گزارش نیویورک پست، گرچه گوشه صفحات این کتاب رفته و عطف آن تاخورده و شکسته است، این رمان در حراجی هانسونز آکشنیرز به قیمت ۳۸ هزار دلار چکش خورد.

حمید فرخ‌نژاد در صحنه‌ای از سریال «میدان سرخ»

گردن ملاحظات و ممیزی‌ها می‌اندازد؟

خشن کی بودید شما؟

خیلی بیراه و بی ربط است اگر میدان سرخ را به دلیل چهره‌های مطرحش با مثلا تیم فوتبال پاری‌سن ژرمن و بازیکنانی چون مسی و ام باپه و نیمار مقایسه کنیم؟! منتها اقلا ام باپه در بازی اخیر این تیم خودی نشان داد و احتمالا باید منتظر درخشش مثلث PSG در بازی‌های بعدی باشیم اما بلاتشبیه کمی بعید است که حتی تا آخر فصل میدان سرخ هم یک گل یا حتی پاس گل از حمید فرخ‌نژاد، علی مصفا، مهتاب کرامتی و بهرام افشاری دربیاید!
همه هیجان و اکشن نصفه نیمه این سریال، رنگ و بوی تصنع دارد و ترکیب بازیگران چهره و آن همه مافیابازی بی خط و ربط و بدون پشتوانه و چیدمان، راه به جایی که باید نبرده؛ یعنی پیگیری قصه توسط مخاطب و رضایتمندی او. مخاطبی که بهترین نمونه‌های این چنینی با مایه‌های جاسوسی و تعقیب و گریزی را در فیلم‌ها و سریال‌های خارجی دیده‌ا، نه تنها با دیدن رضا یزدانی در نقش سردسته گنگسترها حتی برای لحظه‌ای نمی‌ترسد و دلهره در او ایجاد نمی‌شود، بلکه چنین تیپ و حتی به ظاهر قهرمانان قصه را هم به هیچ می‌انگارد و سرنوشت و کشته شدن آنها ذره‌ای در آنها ایجاد همدلی نمی‌کند.ایرادهای فیلمنامه با ترکیب ناسازگار ابراهیم ابراهیمیان (کارگردان) و جواد نوروزبیگی (تهیه‌کننده) هم در ناکامی سریال، مزید علت هستند. به هرحال به ویژه در بحث کارگردانی، نیاز به شناخت و تسلط در این فضای اکشن و مهیج هم است اما نگاهی به کارنامه سینمایی ابراهیمیان که پیشتر در فضایی آرام و عمیق‌تر کار کرده و فیلم‌های قابل تاملی چون عادت نمی‌کنیم و ارسال یک آگهی تسلیت برای روزنامه را ساخته، نشان می‌دهد او شاید گزینه مناسبی برای کار در میدان سرخ نیست.
مشکلات روایتی و ساختاری میدان سرخ به قدری است که همه آن مسائل مافیایی و جاسوسی و تروریستی پشت پرده ماجرا و سرقت پول‌ها و جواهرات، مضحک و لقمه‌ای بزرگ‌تر از دهان سریال به نظر می‌رسد اما اگر متن و اجرای دقیقی وجود داشت، پیچیده‌ترین و بعیدترین موارد هم ملموس و قابل باور جلوه می‌کند.در شرایط نبود قصه درست و درمان و فقدان بازی‌های جذاب از بازیگرانی شایسته که پیشتر در کارهای مختلفی درخشیده‌اند، آن ممیزی ناشیانه موهای مهتاب کرامتی، مسخره‌تر هم به نظر می‌رسد و حتی باعث می‌شود کیفیت نازل سریال در هیاهوی این اقدامات فراموش شود. درحالی‌که اگر پیشتر نظارت دقیقی در مرحله ساخت وجود داشت یا این تعامل و توافق صورت می‌گرفت که بازیگر با همین پوشش جلوی دوربین برود، چنین حاشیه بدی هم اتفاق نمی‌افتاد.
رضایت ۷۵ درصدی مخاطبان میدان سرخ در فیلیمو، به خوبی نشان دهنده وضعیت متزلزل سریال در مواجهه با تماشاگران است.

احترام مخاطبان و به علت ممیزی‌های فراوان و کاهش جدی زمان هر قسمت صورت گرفت، بود اما واقعا همه مشکل قبله‌عالم در ممیزی‌ها و ملاحظات بود؟ واب، قطعا نه است و حتی می‌شد از همان قسمت اول به نظرات مبتنی بر نارضایتی خاطبان در فیلیمو پی برد. قبله عالم، تنها یکی از نتایج فقدان استراتژی و برنامه‌ریزی رهنگی مناسب در پلتفرم‌های ایرانی است که ظاهرا فقط برای چشم و هم‌چشمی برنده‌شدن به هر قیمتی با رقبا، با شتاب دست به تولید هر اثری می‌زنند و منحصرا این مورد سه سریال آنچنان به بیرونی و اندرونی قبله‌عالم و ناصرالدین شاه قاجار جوم می‌برند که انگار هیچ بخش دیگر تاریخ این سرزمین، قصه‌ها و سوژه‌هایی برای ایت و داستان‌پردازی ندارد.
رخش ناگهانی قصه در قبله‌عالم و بهره‌برداری از الگوی جابه‌جایی زمانی که قبلا در مونه‌هایی چون قهوه تلخ جواب مثبتی داده بود، از جایی به بعد تا حدی به کمک سریال قبله‌عالم آمد و به ویژه نمک‌های کاراکتر افشین چمنزار (سام درخشانی) تا حدی باعث خنده مخاطبان شد اما خانه قبله‌عالم از پای بست ویران بود و موجبات سقوط شاه را در پلتفرم فیلمیو فراهم کرد. بودار بودن قصه و ایده و حضور ناصرالدین شاه در زمان فعلی، احتمالا پاشنه‌آشیل اصلی مجموعه برای اعمال ملاحظات و ممیزی‌ها بود اما باز هم بحث نبود نظارت دقیق و تعامل اولیه با شوراهای تصویب فیلمنامه و صدور مجوز نمایش را پیش می‌کشد و نشان می‌دهد شبکه‌نمایش خانگی در رقابت با سینما و به ویژه در مقابله با تلویزیون رسمی، دچار نوعی لجبازی و سوءاستفاده از فضای رها و آسوده‌تر خود شده و فکر می‌کند با تاخت و تاز به هر شکل و به هر قیمتی در این فضا می‌تواند جلب مشتری کند اما تا زمانی که بدون فکر و برنامه‌ریزی دقیق و استراتژی مناسب فرهنگی، تنها مباحث مالی و سودآوری در میان باشد و در رد کردن خطوط قرمز، هر طرح و سیناپس در ظاهر جذابی بلافاصله تصویب و در کوتاه‌ترین زمان ممکن به تولید و پخش برسد، نتیجه‌ای جز خودزنی و نارضایتی مخاطبان و بی اعتبارکردن پلتفرم‌ها و شبکه نمایش خانگی ندارد.با این روند قصه و شخصیت‌پردازی، اگر قبله‌عالم به‌طور کامل پخش می‌شد و به قسمت پایانی واقعی خودش هم می‌رسید، بعید می‌دانیم رضایت ملت در فیلیمو را رقم می‌زد.

گفت‌وگو با دبیر سی‌وهشتمین جشنواره فیلم کوتاه

بی‌اعتمادی کارگردان‌ها به اکران آنلاین

عکس: سایت جشنواره فیلم کوتاه

علی رستگار
سینما

نشست خبری سی‌وهشتمین جشنواره فیلم کوتاه به دبیری سید صادق موسوی، دیروز در محل وزارت فرهنگ و ارشاد برگزار شد.

در این نشست خبری خبرنگار جام‌جم درباره اکران برخط فیلم‌های جشنواره سؤال کرد که موسوی درباره تعداد فیلم‌هایی که بنا بر اجازه صاحبان‌شان در پلتفرم میزبان جشنواره، نمایش آنلاین خواهند داشت، گفت: ۸۰ فیلم از ۱۲۵ فیلم ایرانی حاضر در دوره سی‌وهشتم اجازه داده‌اند فیلم‌شان در پلتفرم‌ها اکران آنلاین شود و بیش از یک سوم از صاحبان آثار فقط با نمایش اثرشان روی پرده سینما در روزهای جشنواره موافقت کرده‌اند.

موسوی در پاسخ به سؤال خبرنگار جام‌جم بیان کرد: صاحبان اثر سه ماه پیش همان موقع تصمیم گرفته بودند در بخش آنلاین باشند یا نه. مربوط به امروز و دیروز نیست. نگرانی‌ها هم مشخص است یک فضای بیمارگونه می‌تواند این باشد که یک نفر براساس خصومت شخصی فیلم‌ها را ضبط و در اینترنت پخش کند و این‌چنین مانع ورود فیلم به جشنواره‌های دیگر باشد. امیدوارم امسال بچه‌ها اجازه بدهند بیشتر فیلم‌ها به بخش آنلاین بیایند.
موسوی با اعلام برگزاری جشنواره در محل پردیس سینمایی ایران‌مال، از روند روبه‌جلوی آن ابراز خرسندی کرد و گفت: من پنج سال است که دبیری را به‌عهده دارم و مهم‌ترین اتفاق این جشنواره، ارتقای سطح آن از هر جهت بوده است،گرچه هنوز معتقدیم به نقطه آرمانی نرسیده‌ایم.
دبیر سی و هشتمین جشنواره فیلم کوتاه، با بیان این‌که این جشنواره، تنها جشنواره اسکارکوالیفاید(درگاه ورود به اسکار) در ایران است، گفت: تنها برنده بخش بین‌المللی جشنواره به اسکار معرفی می‌شود و بخش مسابقه ملی ما ارتباطی به اسکارکوالیفاید ندارد. اسکار هم می‌داند ما در ایران فعالیت می‌کنیم و فیلم‌های خارجی ما با پارامترهای جمهوری اسلامی ایران پخش می‌شود. البته نسخه داوران، نسخه اصلی است اما آنچه در فضای عمومی پخش می‌شود، متناسب با فضای عمومی است.

امتیاز ویژه جشنواره

صادق موسوی تصریح کرد: پارسال ۴۵۰۰ اثر در بخش بین‌الملل ثبت‌نام کرده بودند و امسال بیش از ۲۰۰۰ اثر نیز اضافه شدند. یکی از دلایل ما جوایز ارزی بود که در بخش جایزه بزرگ ۵۰۰۰یورو هدیه می‌دادیم. موقعیت ما در منطقه و صنعت سینمایی که وجود داشت و قدمت این رویداد، مؤلفه‌هایی بود که نشان از اعتبار جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران دارد. من پنج سال است که دبیر جشنواره‌ام اما برای اولین بار ایمیل فیلمسازان خارجی را دریافت کردیم که به چه علت فیلم ما در جشنواره نیست؟ چون در کل جهان، تعداد ۱۲۷ جشنواره اسکار کوالیفاید هستند و ۶۷ مورد آنها فقط در آمریکا برگزار می‌شوند و ایران عزیز ما سومین کشور مسلمانی است که از این امتیاز برخوردار است. ژاپن، کره جنوبی، سنگاپور، مصر و ترکیه و ایران تنها کشورهایی‌اند که جشنواره‌های‌شان اسکار کوالیفاید است.

این فضای پر از خشم

وی در پاسخ به پرسشی درباره اعتراض چند فیلمساز به سانسور آثارشان توضیح داد: اعتراض‌ها جنس‌های مختلفی دارد اما مهم‌ترین منطق برای نبودن بسیاری از آثار صرفا محدودیت فرصت است، زیرا ۱۶۵۰ اثر ناگزیر از جشنواره بیرون ماندند و از این میان اگر ۱۰درصدشان معترض باشند، یعنی ۱۶۵ نفر معترض فعال داریم. من می‌فهمم بچه‌ها با سختی‌های بسیار به ساخت آثارشان مبادرت می‌ورزند اما ای‌کاش رویدادی بود که همه این فیلم‌ها می‌توانستند در بستر آن دیده شوند. همه این فضای پر از خشم به دلیل کمبود امکانات است. در این مدت توهین‌هایی به من شد که فقط با این موضوع توانستم آرام شوم که خودم را جای آنها می‌گذاشتم. برخی حمله می‌کردند و شب پیام می‌دادند که ناراحت نشو. من یا هرکسی دیگری که مسؤولیت می‌پذیریم باید خودمان را سیبل کنیم، چون به هرحال برخی از آنها به‌حق هستند.
موسوی با بیان این‌که اگر دوستان ما یک بار فراخوان را بخوانند بسیاری از مسائل حل می‌شود، گفت: این جشنواره را وزارت فرهنگ و ارشاد و با بودجه بیت‌المال برگزار می‌کند و باید در چارچوب سیاست‌های آن نقد شود. ما جشنواره‌ای خنثی نیستیم. بسیاری از جشنواره‌ها در جهان ممکن است محدودیت نداشته باشند اما در ابتدای فراخوان نوشته بودیم چه اولویت‌هایی داریم. مثلا فیلم‌های امیدبخش با محوریت همبستگی اجتماعی، سرمایه‌های اجتماعی و... موردقبول بود. اگر دو فیلم با دو موضوع متفاوت و باکیفیت برابر باشند حتما آن فیلمی را انتخاب می‌کنیم که درباره خانواده باشد. حتی در جایزه‌ها هم گفته‌ایم بیشتر به فیلمی جایزه می‌دهیم که درباره همبستگی اجتماعی باشد. برخی فیلم‌ها را کنار گذاشتیم چون کاملا مغایر با اولویت‌ها بود. دست‌کم در این پنج سال از همه آقایان و خانم‌ها شنیده‌ام ۱۰ تا ۱۵ فیلم شاخص هستند، برخی در سطح۲ و نسبت زیادی در رده سوم کیفیت قرار دارند. اگر بخواهیم بسته رفتار کنیم باید فقط ۱۵ فیلم انتخاب کنیم. چند سال پیش کمی فضا را باز کردیم اما بقیه گفتند چرا همه فیلم‌ها راه پیدا کرده است، بنابراین کار سختی را همیشه پیش رو داریم.

چیزی را پنهان نکردیم

دبیر جشنواره سی و هشتم توضیح داد: ما سه مؤلفه اصلی داریم. همه فیلم‌ها باید از شورای پروانه نمایش مجوز بگیرد. امسال پنج فیلم مجوز نگرفت و چهار فیلم اصلاحیه خورد. این فیلم‌ها به لحاظ کیفی هم باید حداقل‌هایی داشته باشند و دیگر این‌که باید در چارچوب اولویت‌ها قرار بگیرند. ما چیزی را پنهان نکردیم این سه پارامتر برای ما مهم بود. آن چهار فیلمی را که شورا رد کرد، ما قبول کرده بودیم. برخی فیلم‌ها خوب، اما جامعه‌ستیز بودند و با سیاست‌های اعلامی ما مغایرت داشتند.
او درباره داوران جشنواره توضیح داد: ۸۰درصد داوران بین‌الملل خارجی هستند. ۲۶سال است که در حال کار هستم و به پشتوانه فیلمسازان جوان در این مدت مشغول بودم. البته مهم‌ترین جشنواره خاورمیانه به دلیل آثار و جوایز ارزی هستیم که باتوجه به افزایش نرخ دلار حفظ این سطح از کیفیت جوایز سخت است. جایزه ما ۵۰۰۰ یورو بود که جزو جوایز ارزنده سینمایی دنیا به‌حساب می‌آید.

> این جشنواره را وزارت فرهنگ و ارشاد و با بودجه بیت‌المال برگزار می‌کند و باید در چارچوب سیاست‌های آن نقد شود. ما جشنواره‌ای خنثی نیستیم

مهم‌ترین رویداد فیلم کوتاه ایران

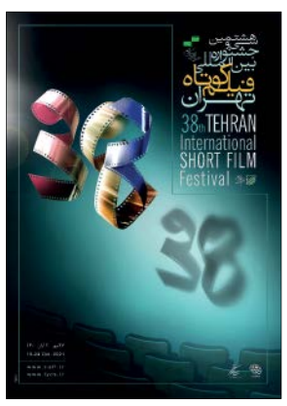

موسوی در خصوص تعداد آثار خارجی توضیح داد: ۶۴۰۲ فیلم خارجی داریم و درعین‌حال تنها رویداد رایگانی هستیم که به‌دلیل تحریم‌ها به مشکلات مالی برای تبادل ارز و... روبه‌رو شدیم. برای همین باید گفت این اتفاق مهم‌ترین رویداد در سینمای کشور است.
وی ادامه داد: در بخش جهانی از ۱۲۸کشور، فیلمساز شرکت می‌کنند. هند با ۶۲۱ فیلم در رده اول و بعد فرانسه با ۵۹۰ فیلم در رده دوم قرار می‌گیرد. آمریکا هم با ۳۹۹ فیلم در این جشنواره حضور دارد. در کدام رویداد هنری ایران این تعداد کشور حضور دارند؟
وی در خصوص بخش ملی گفت: در بخش ملی تعداد فیلم‌ها افزوده شده است و ۱۷۷۵ فیلم در بخش‌های ملی آمده است و از این تعداد ۱۲۵ فیلم انتخاب شده. در حقیقت می‌توان گفت ۷ درصد آثار راه‌یافته است. محدودیت فرصت‌ها مهم‌ترین مشکل و مانع ما برای پذیرش فیلم است.

کلمه

رکورددار تعویض سنگ قبر!

آذر مهاجر
ادبیات و هنر

رکورددار تعویض سنگ قبر در جهان، نه عضو یک خانواده سلطنتی و اشرافی است نه یک میلیاردر بزرگ که هر چند وقت یک‌بار، تمول و دارایی درگذشته را به رخ بکشد؛ این رکورد در دست شاعر زلال و ساده‌ای است که دلش خوش بود به تکه‌نانی، خرده هوشی و سر سوزن ذوقی و همه عمر در این تلاش زیست که مگسی از سرانگشت طبیعت نپرد؛ بله، سهراب سپهری، شاعر و نقاش نامدار عصر ما، با آن جهان‌بینی صلح‌جویانه‌اش با زمین و زمان و حیات، حالا هر چند سال یک‌بار، صاحب سنگ قبر تازه‌ای می‌شود که هربار از شأن و جایگاه او دور و دورتر است.

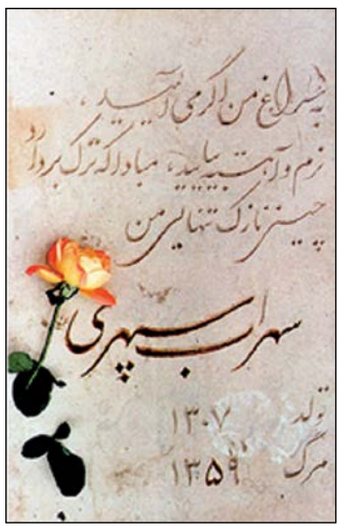

سهراب وصیت کرده بود در روستایی به‌نام چنار در حوالی کاشان به خاک بسپارندش اما سیلاب‌های روستا و نگرانی بابت ازدست‌رفتن مقبره شاعر کاشانی باعث شد پیکرش را در امامزاده سلطان‌علی در مشهد اردهال دفن کنند. اولین سنگ قبر سهراب یک کاشی فیروزه‌ای ساده بود و بس! بعد از آن استاد رضا مافی که نقاشیخط را پدید آورده، برای سهراب سنگ قبری طراحی کرد با همان شعر معروف به سراغ من اگر می‌آیید/ نرم و آهسته بیایید/ که مبادا ترک بردارد چینی نازک تنهایی من! و عجیب که این سنگ قبر که خود یک اثر هنری بود، زیر چرخ‌های کامیون شکست و خرد شد و چیزی از آن باقی نماند. بعد از آن سنگ قبر دیگری برای سهراب ساخته شد که کم‌وبیش شبیه چیزی بود که رضا مافی طراحی کرده بود، با این تفاوت که غلط املایی داشت. سنگ قبر بعدی یک سنگ سیاه بود و همین‌طور سنگی که شماره موسسه حکاکی روی آن ثبت شده بود و همین‌طور سنگ روی سنگ تا حوالی ۱۵ مهر امسال که به مناسبت زادروز سهراب سپهری از سنگ قبر دیگری رونمایی شده است و گویا این ماجرا تا وقتی که همه سنگ‌تراشان کاشان بتوانند یک‌بار نام و شماره تماس‌شان را روی قبر شاعر بزرگ کشورمان تبلیغ کنند، این ماجرا تمام نخواهدشد.
بد نیست بدانید که بعد از شکسته شدن سنگ قبری که رضا مافی برای سهراب سپهری طراحی کرده بود، یکی از مسؤولان به غلامحسین امیرخانی، استاد پیشکسوت خوشنویسی سفارش داده بود که سنگ قبر سهراب و شعر «به سراغ من اگر می‌آیید ...» را بنویسد. استاد امیرخانی نوشت اما در گفت‌وگویی که چند سال پیش با همکار ما داشت گفته بود این نوشته سال‌هاست پیش خودش مانده و هیچ کسی سراغش را نگرفته است.
کسی نمی‌داند چرا هر پنج یا شش سال سنگ قبر سهراب تغییر می‌کند، متولی این تغییرات کیست و چرا طرح توسعه صحن امامزاده، خانواده سهراب، وزارت ارشاد، وزارت میراث‌فرهنگی یا هر فرد یا نهاد دیگری که می‌تواند، یک‌بار برای همیشه یک تصمیم جدی و درست درباره سنگ قبر این شاعر و نقاش نامدار نمی‌گیرد! سهراب سپهری با جایگاهی که در شعر و نقاشی داشته، حداقل این حق را دارد که یک سنگ قبر زیبا، بدون غلط تایپی و بدون تبلیغ سنگ‌تراشی و حکاکی داشته باشد.شاید آنجا که می‌سرود: «ساده باشیم چه در باجه یک بانک چه در زیر درخت» باید به سنگ قبر هم اشاره می‌کرد هرچند که بعید است کسی به توصیه‌های شاعر کاشانی توجهی داشته باشد.